

درس اول:

نقشه نوشتن

بلن شهر خوش نقشون
بلن شهر خوش نقشون طایف
سچن کوچن بیلیم سیلیم سیلیم
دو طول سفر باست که مارلی
سیرون شهر بدین لست پارسون
کرده بارون شهید هادین بشیوه
سفریت دار از کیمیان که کار
بمنظر نسماه سفر زنست

بلن شهر خوش نقشون
بلن شهر خوش نقشون طایف
سچن کوچن بیلیم سیلیم سیلیم
دو طول سفر باست که مارلی
سیرون شهر بدین لست پارسون
کرده بارون شهید هادین بشیوه
سفریت دار از کیمیان که کار
بمنظر نسماه سفر زنست

نقشه نوشتن

با ورود معلم به کلاس، شور و نشاط دانش‌آموزان، بیشتر شد. معلم خوش‌فکر، درس را آغاز کرد و گفت: می‌دانم که شما نوشتن را از همان سال‌های آغازین دستان، آموخته‌اید اما از امسال، چگونه نوشتن را به‌طور روشن‌مند، خواهید آموخت. اکنون، اجازه بدھید با یک مثال، کمی بیشتر

توضیح دهم:

عزیزانم، نویسنده‌ی شبیه یک سفر است؛ یک سفر واقعی و گاه خیالی؛ یک سفر خاطره‌انگیز و پرماجرا.

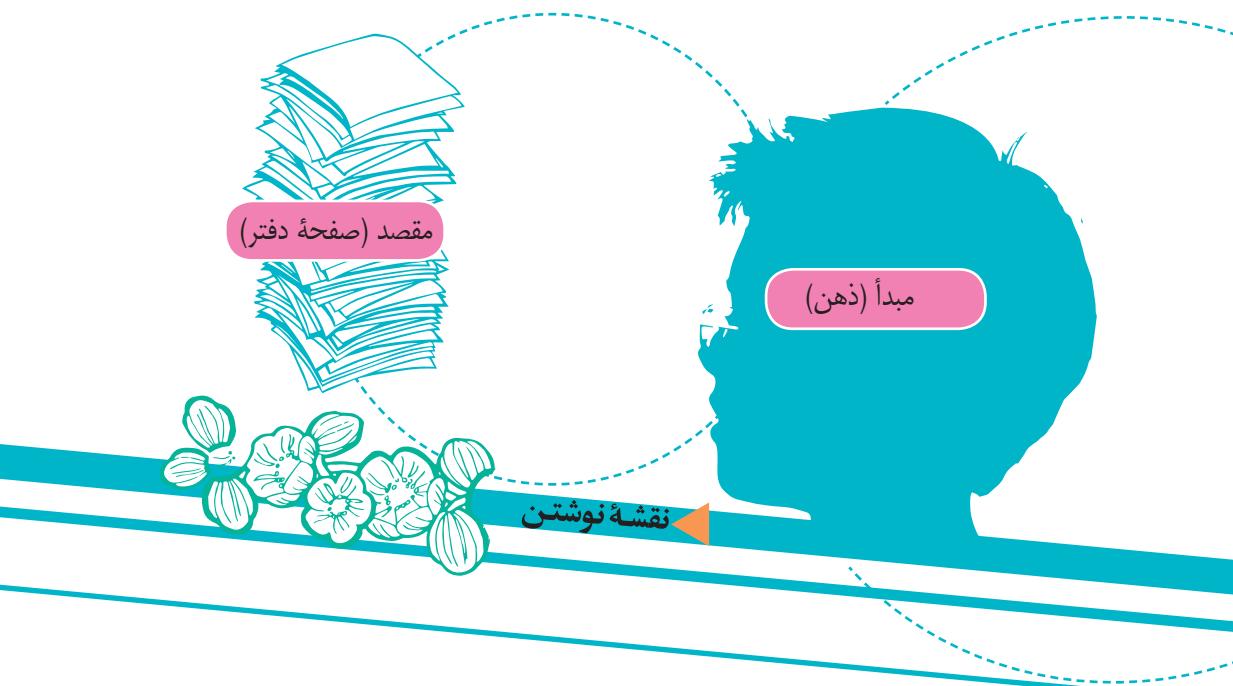
در سفر نویسنده‌ی، من و شما همراهانی هستیم که می‌خواهیم به شهری بسیار زیبا، پرنقش و نگار و دلفریب، رهسپار شویم. پیش از سفر، لازم است هم من و هم شما به پرسش‌هایی فکر کنیم و به آنها پاسخ دهیم:

- این شهر خوش نقش و نگار، کجاست؟
- آیا نقشه‌ای از آن در دست یا در ذهن داریم؟
- چگونه و با چه وسیله‌ای باید به سوی آن برویم؟

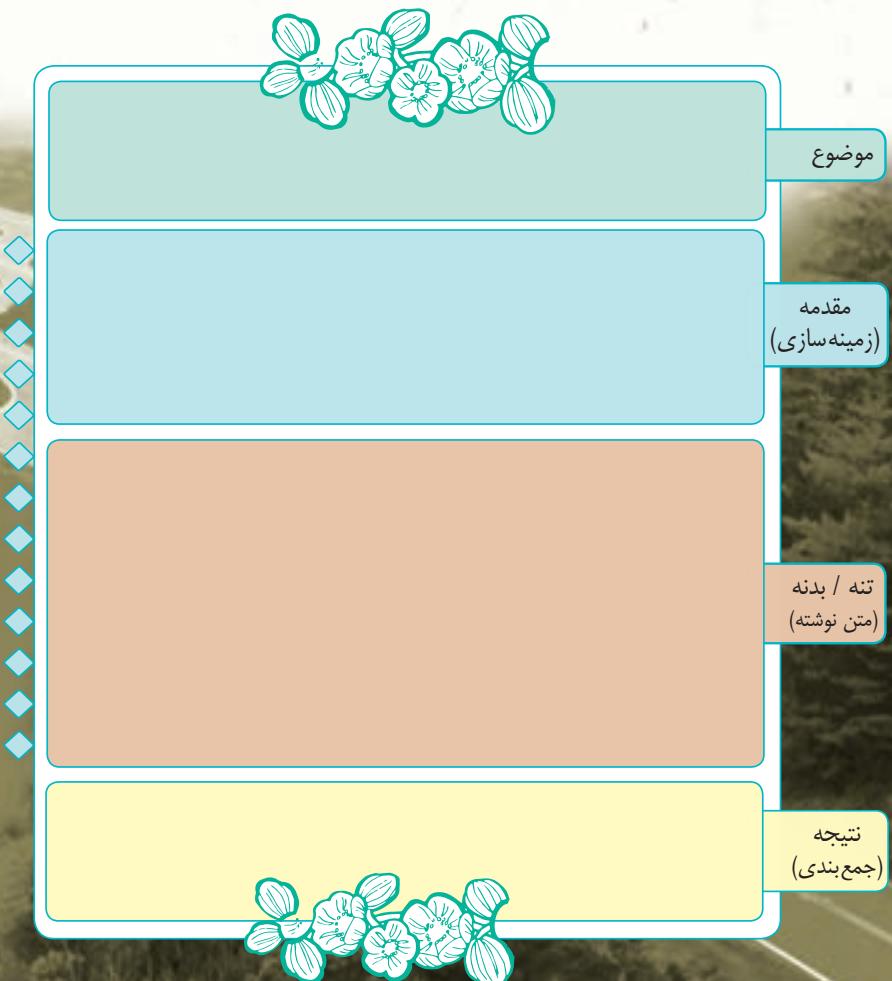
- در طول سفر، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد؟
- مسیر این شهر، هموار است یا از سر گردنه‌ها و از دل دره‌ها می‌گذرد؟

اگر درباره این پرسش‌ها بیندیشیم و نقشه راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم؛ آن‌گاه، می‌توانیم سفر نوشتمن را آغاز کنیم؛ بی‌آنکه نگرانی و هراسی داشته باشیم.

به نظر شما، در سفر نوشتمن، نقطه آغاز و پایان کجاست؟
 معمولاً تصور می‌شود، نوشتمن بانگارش کلمات برروی صفحه کاغذ شروع می‌شود؛ در حالی که چنین نیست. هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنه کاغذ، در ذهن نویسنده، طبقه‌بندی و نوشتمن می‌شود. هر قرایین فرایند (نگارش و طبقه‌بندی ذهنی) کامل‌تر باشد، نوشتمن ما چشمگیرتر خواهد بود؛ بنابراین در سفر نوشتمن، نقطه آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان سفر «صفحه دفتر» شمامست.

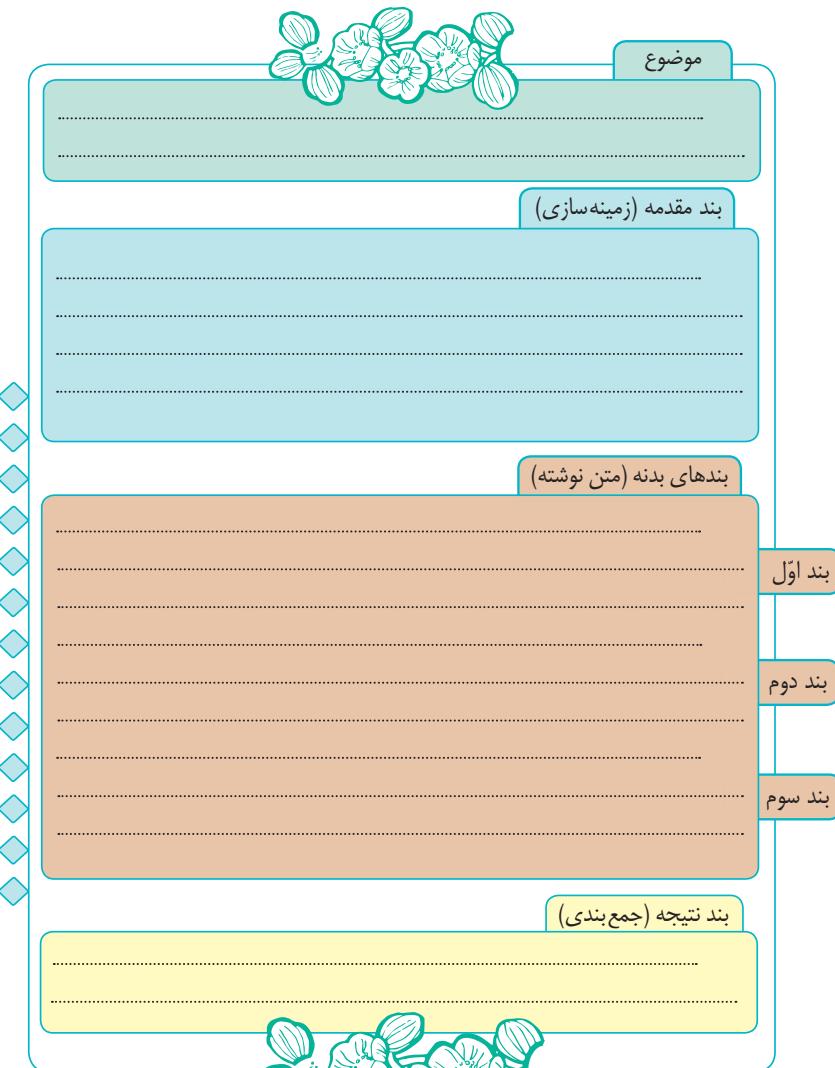


اکنون باید مسیر ذهن تا صفحه دفتر را مشخص کنیم و بینیم با کدام نقشه می‌توانیم آنچه در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحه دفتر بیاوریم. طبقه‌بندی ذهن، گام اول در تهیه نقشه سفر نوشتمن است؛ این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشتمن را نشان می‌دهد. در نمایه زیر، **مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتمن** را می‌بینیم:



شكل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتمن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتمن می‌کند؛ برای خودش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه این طبقه‌بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتمن متنی دقیق و منسجم است. متن‌های دقیق و منسجم، خوانندگان را سر در گم نمی‌کنند.

یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشتمن، طراحی **ساختمان نوشتمن** است. شکل زیر، **ساختمان ساده و طبقه‌بندی اولیه ذهن و نوشتمن** را نشان می‌دهد.



اکنون نوشتهٔ زیر را با هم بخوانیم و به نقشۀ ذهنی و ساختمان نوشته،
توجّه کنیم:

موضوع

دل، آشیانهٔ محبت

بند مقدمه (زمینه‌سازی)

هر چیزی، مرکزی دارد. قلب و مرکز بدن ما انسان‌ها **دل** است که مخزن و گنجینهٔ وجود به شمار می‌آید. این گنجینه‌نیاز به مراقبت دارد.

بندهای بدن

اگر راستش را بخواهید دلم خالی از زشتی‌ها، پاک و سفید است. من در فضای دلم هیچ جست و جوگری ندارم که همه حرف‌ها را برایم بیابد و به من نشان دهد؛ اما در دلم توان و نیروی بسیار فعال است و دوست و دشمن، راستی و دروغ و خوبی و بدی را فوراً شناسایی می‌کند و به هر کس اجازه ورود نمی‌دهد. به همین سبب، در دلم جز خوبی‌ها چیزی نیست.
در دلم به روی دوستان، همیشه باز است تا آزادانه بیایند و بروند و هر روز به تعداد دوستانم افزوده شود. تلاش می‌کنم؛ دوستان را نرنجانم.
از کسانی که با لطف و محبت می‌خواهند دلشان را پاک و بی‌کینه و زیبا نشان بدهند، خوشم می‌آید؛ چون آنها آدم‌های مهربانی هستند؛ هم خود را و هم دیگران را دوست می‌دارند. این، کار بسیار خوبی است.

بند نتیجه (جمع بندی)

دل، اصلی‌ترین بخش خانهٔ وجود ماست. همه ارزش دل‌ها به سادگی و پاکی آنهاست. شادابی و سرزندگی یک کشور هم به جوانانی وابسته است که دلی پاک و بی‌کینه، اما استوار و بی‌باک دارند. پس دلمان را سرشار از نور ایمان و لبالب از حضور دوستان کنیم.

فعالیت‌های نگارشی

نوشتۀ زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند با دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما بپرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما با کمی تأمل، در می‌باییم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدھیم و با دیگران سخن بگوییم. ما افروزن بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلًاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست تکان می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بربزبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبصِّر کلاس انگشتش را روی لب و بینی اش می‌گذارد، در واقع به دانش آموزان یادآوری می‌کند که ساكت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

اکنون از میان موضوع‌های زیر یکی را انتخاب کنید، نخست کمی درباره آن بیندیشید؛ پس از شکل‌گیری نقشهٔ ذهنی؛ سفر نوشتن را آغاز کنید:
◆ پاییز ◆ حیاط مدرسه ◆ روزی را که دوست دارم، تکرار شود

موضوع:

The form consists of a large light blue rectangular area with a decorative floral border at the bottom. The top right corner of the blue area contains the text "موضوع:" (Topic:) in a pink font. The rest of the blue area is blank for writing.

◆◆◆◆◆ یکی از انشاهای عضو گروه خود را انتخاب و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی:

- ❖ داشتن پیش‌نویس (داشتن نگاشت اول)
 - ❖ داشتن پاک‌نویس (راعیت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجّه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)
 - ❖ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (نوشتن بند مقدمه، نوشتن بندهای بدنی و بند نتیجه)
 - ❖ شیوهٔ خواندن

نتیجهٔ بررسی و داوری :

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جمله الف، درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت و گوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

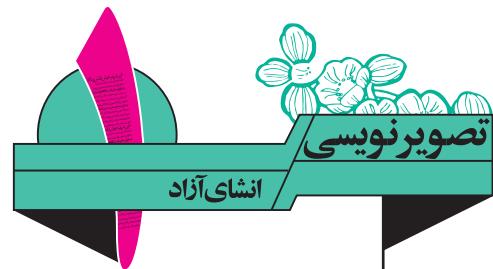
◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

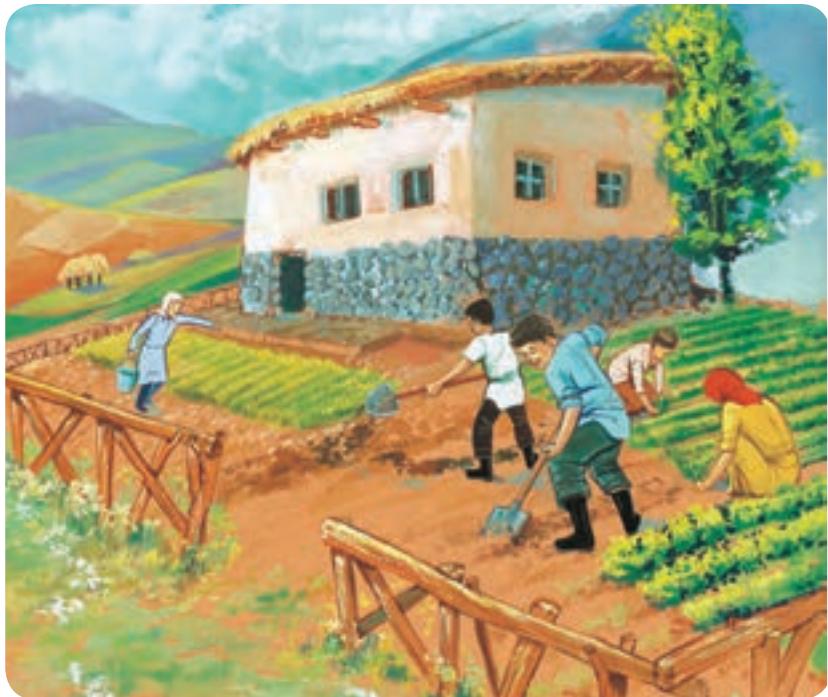
.....

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگرون بشی.

.....



آنچه در تصویر زیر می‌بینید؛ بنویسید.



آیا خواننده نوشتہ شما بدون اینکه تصویر را ببیند، می‌تواند تنها با خواندن
نوشتہ شما تصوّری از آن داشته باشد؟